

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

عرض کردیم که محقق بروجردی (قدس سره الشریف) (حاشیه کفایه، جلد 1، صفحه 365) فرموده‌اند: ثمره‌ای که مرحوم آخوند(ره) بر نزاع اجتماع امر و نهی مترتب کرده‌اند، بر این نزاع مترتب نیست، بلکه باید صحت و فساد صلاة در دار غصبی را، دائر مدار جهل و نسیان و عدم آن قرار دهیم.

در صورتی که مکلف، جاهل به حرمت غصب باشد یا جاهل باشد که این مکان، مکان غصبی است یا ناسی باشد، این نماز صحیح است، اعم از اینکه ما قائل به جواز اجتماع امر و نهی شویم، یا امتناعی شویم. اما در صورتی که مصلی، جاهل و ناسی نباشد، نماز باطل است، اعم از اینکه ما جوازی یا امتناعی شویم.

در توضیح فرموده‌اند: در صورتی که مکلف، جاهل یا ناسی باشد، این فعلی که در عالم خارج واقع می‌شود، ابتلاء به مبغوضیت للمولا ندارد. وقتی مکلف جاهل است، جهل به حکم یا جهل به موضوع دارد، این فعل و این وجودی که در عالم خارج واقع می‌شود، مبتلای به مبغوضیت للمولا نیست. وقتی مبتلا نشد، قابلیت تقرب دارد، مکلف هم قصد تقرب می‌کند، لذا این عمل، صحیح است.

اما در صورتی که مکلف و مصلی عالم است، می‌داند که «الغصب حرام» و این مکان هم مکان غصبی است، این فعلی که در عالم خارج موجود می‌شود مبتلا به مبغوضیت للمولا است، و چیزی که مبتلای به این عنوان است و مبغوض برای مولا است، نمی‌تواند مقرب واقع شود. لذا این عملی که انجام می‌دهد، عمل باطلی است.

سه مطلب محقق بروجردی(ره) در اشکال بر آخوند(ره)

در واقع در عبارت ایشان، سه مطلب آمده، که باید هر سه، مورد بررسی قرار گیرد.

مطلب اول محقق بروجردی(ره)

ایشان بعد از اینکه کلام آخوند(ره) را در مقدمه دهم بیان کرده، فرموده‌اند: «فان جعل مثل ذلك من ثمره المسئلة لا يخلو من تامل، ضروره ان العمل الكذائي بحسب وجوده في الخارج، يقع لا محاله مبغوضا لابتلائه بجهه المبغوضيه فلا يصلح للتقرب مطلقا و ان قلنا بالجواز، لكنه مع الجهل و النسيان يقع العمل صحيحاً لعدم ابتلائه في الحالين بما هو مبغوضٌ و ان قلنا

بالامتناع».

تا اینجا قسمت اول فرمایش ایشان است که فرموده‌اند: صحت و فساد صلاة، دائر مدار نزاع در اجتماع امر و نهی نیست، که اگر جوازي شدیم این نماز صحیح باشد و اگر امتناعی شدیم، این نماز باطل باشد، بلکه دائر مدار جهل و نسیان و عدم این دوست.

در صورت جهل و نسیان، این فعل موجود در خارج، به يك عنوان مبغوضیت مبتلاست، لذا این نماز باطل است، یعنی در صورت علم، در صورتیکه جهل و نسیان نباشد، فعل مبتلاء به مبغوضیت است و لذا باطل است. اما در صورتیکه جهل و نسیان باشد این فعل مبتلای به مبغوضیت نیست.

اینجا باید برای توضیح فرمایش ایشان، آن مطلبی که در جواب از مرحوم آقای خوئی (ره) قبلاً گفتیم را بیاوریم، تا کلام ایشان تکمیل شود و آن مطلب این است که: گاهی به ذهن می‌رسد که، اگر يك فعلی مفسده دارد، مثلاً شرب خمر دارای مفسده است، دروغ گفتن دارای مفسده است، غیبت کردن دارای مفسده است، آیا هر جا که يك فعلی عنوان مفسده داشت، حتماً مبغوضیت للمولا هم دارد؟ یعنی آن فاعل اگر انجام داد، مطلقاً این فعل مبغوض برای مولا است، چه مولا به این تحریم عالم باشد و چه جاهل. یا اینکه وقتی به عقلاء مراجعه می‌کنیم، عقلاء بین این دو عنوان تفکیک قائلند، یعنی ممکن است يك فعلی، مفسده واقعی داشته باشد، اما فاعل به خاطر اینکه جاهل به این مفسده واقعی است، این فعلش مبغوض برای مولا نباشد. مثلاً مجنون، اگر شرب خمر انجام داد، این فعل مبغوض برای مولا نیست.

بغض جایی است که بتوان مذمت را مترتب کرد، اینجا شرب خمر، يك مفسده واقعی دارد، کسی نمی‌تواند این را منکر شود، چه آدم عاقل این شرب خمر را انجام دهد و چه آدم دیوانه. اما وقتی آدم عاقل شرب خمر را انجام داد، این برای مولا مبغوضیت هم دارد و این مبغوضیت موضوع برای استحقاق عقاب است. مجرد وجود مفسده واقعی، موضوع برای عقاب و استحقاق عقاب نیست، بلکه جایی که مبغوض للمولا شد، استحقاق عقاب دارد.

روی این مبنا، غیر از مجنون، بچه هم همینطور است. اگر صبی شرب خمر انجام دهد، مفسده دارد، نه اینکه مفسده نداشته باشد. حتی گاهی سوال می‌کنند که: اگر شما می‌گویید: احکام تابع مصالح و مفاسد است، خوب این مصالح و مفاسد در افعال وجود دارد، چرا این فعل را يك آدم بالغ که انجام می‌دهد، احکام بر آن مترتب می‌شود، اما همین فعل را بدون کم و زیاد، يك آدم غیر بالغ اگر انجام داد، می‌گویید: بر او حکمی مترتب نمی‌شود؟ در حالیکه وقتی بچه هم دروغ می‌گوید، کسی نمی‌تواند بگوید: این دروغی که این بچه می‌گوید، اصلاً مفسده ندارد.

نمی‌توانیم بگوییم: بین «کذب البالغ» با «کذب الصبی» از این نظر فرق وجود دارد که، در کذب بالغ، مفسده واقعی هست، اما در کذب صبی، مفسده وجود ندارد. تمام محرمات را اگر صبی انجام داد، مفسده واقعی در آن موجود است، اما عنوان مبغوضیت للمولا، عنوان قبح – که گفتیم حسن و قبح موضوع برای استحقاق مدح و مذمت هستند – بر آن مترتب نمی‌شود.

اینجا هم مرحوم آقای بروجردی (ره) روی همین مبنا فرموده‌اند: این شخصی که جاهل یا ناسی است، درست است که، مفسده غصب در اینجا وجود دارد، اما این فعل عنوان مبغوض برای مولا را پیدا نمی‌کند، چون جاهل یا ناسی است. اما اگر عالم باشد، در فرض علم، این عمل مبغوض برای مولا می‌شود، يك عمل خارجی هم بیشتر نیست، و چیزی که متصف به عنوان مبغوضیت للمولا شده، صلاحیت برای مقربیت ندارد. این قسمت اول مطلب ایشان بود.

مطلب دوم محقق بروجردی (ره)

در قسمت دوم فرموده‌اند: «و بالجملة سقوط الامر و حصول الامتثال و صحة العمل دائراً مدار صلاحية العمل للتقرب و حصول

القربة»؛ يعني سقوط امر، امتثال و صحت عمل، دائر مدار صلاحيت عمل براي تقرب و حصول قربت هست. «لا انه مترتب علي المسئلة» اين مترتب بر مسئله يعني بر اين نزاع در باب جواز و عدم جواز، اين حصول و عدم حصول امتثال مترتب نيست.

مطلب سوم محقق بروجردي(ره)

و در مطلب سوم فرموده‌اند: «و علي ذلك، فاستكشاف المشهور الي القول بالامتناع من ذهابهم الي القول بفساد العمل كما استكشفه المصنف في غير محله، فان القائلين بالجواز، قائلون بالفساد ايضاً»، اين كه مرحوم آخوند(ره) از راه اين كه، فقهاء غالباً صلاه در دار غصبي را فاسد مي‌دانند، استكشاف کرده‌اند كه، فقهاء قائل به امتناع هستند، حرف درستي نيست براي اينكه قائلين به جواز، قائلين به فساد هم هستند.

نقد و بررسي مطالب محقق بروجردي(ره) در اشكال بر آخوند(ره)

اشكال به مطلب اول مرحوم بروجردي(ره)

اين سه مطلبي كه مرحوم آقاي بروجردي(قدس سره) در اينجا بيان فرموده‌اند. كه بايد ببينيم كه اين فرمايش ايشان، حتي با آن توضيح و تكميلي كه براي آن بيان كرديم، آيا درست است يا نه؟

اينجا بايد اشاره‌اي كنيم به آنچه كه، قائلين به جواز در باب اجتماع امر و نهي قائلند كه، با توجه به ادله قائلين به جواز، جوازي‌ها دو گروه‌اند.

يك گروه از جوازي‌ها مي‌گويند كه: اين فعل در عالم خارج، اين صلاه در دار غصبي، يك وجود واحد دارد، اما چون در اين وجود واحد، دو عنوان، يكي عنوان صلاتيت و ديگري عنوان غصبيت، با يكدیگر اجتماع پيدا کرده‌اند، از حيث صلاتيت، همين وجود واحد، واجب مي‌شود و از حيث غصبيت، همين وجود واحد حرام مي‌شود.

گروهي از جوازي‌ها مسئله را اينطور مطرح مي‌كنند كه، وجود واحد مجمع براي دو عنوان هست و به اعتبار اين عنوانين، وجوب و حرمت نسبت به اين فعل واحد تحقق پيدا مي‌كند.

اما گروه دوم جوازي‌ها مي‌گويند: اينجا به حسب ظاهر يك وجود است، اما اين صلاه در دار غصبي، دو وجود است كه با يكدیگر تركيب شده و تركيبشان، تركيب انضمامي است، يعني يك وجود نيست، دو وجود است كه منظم به يكدیگر شده و تركيب انضمامي مي‌شود.

اينجا اگر كسي به مرحوم آقاي بروجردي(ره) اينطور بگويد كه: در صورتي كه دو وجود باشد، بگويم: اين دو وجود، در يكي ملاك صلاتي و در ديگري ملاك غصب وجود دارد، يكي واجب است و ديگري حرام و اين دو ملازم يا مقارن با يكدیگر هستند و هيچكدام از يكي به ديگري سرايت نمي‌كند.

لذا مبتلاء بودن به يك وجود مبغوض مقارن، كه ملاك امر و صلاه را از بين نمي‌برد. شبیه جايي كه يك كسي در حال صلاه عمداً به زن نامحرمي نگاه كند، كه اينجا كسي نمي‌گويد: اين نماز باطل است. در اينجا اين نماز مقارن شد با يك عمل حرامي كه، نظر به نامحرم باشد، دو وجود هم دارد، يك وجود واحد نيست.

مسلماً روی این فرض دوم، که دو وجود است که با یکدیگر ترکیب و انضمام پیدا کرده‌اند، که یکی ملاک مقربیت دارد و دیگری ملاک مبعدیت، فرمایش مرحوم آقای بروجردی(ره) وارد نیست.

اما روی این مبنا که، یک وجود واحد است که دو حیث و عنوان دارد، به طوری که از یک عنوان مصداق برای صلاه است و از عنوان دیگر هم مصداق برای غصب است، هم باز به مرحوم آقای بروجردی(ره) عرض می‌کنیم که فرمایش شما وارد نیست.

گرچه بعضی از بزرگان خواسته‌اند بفرمایند که: روی این مبنا، فرمایش مرحوم آقای بروجردی(ره) وارد است، اما به نظر ما باز وارد نیست. برای اینکه وقتی می‌گوییم: احکام به نفس وجود خارجی تعلق پیدا نمی‌کند، بلکه به عناوین و طبایع تعلق پیدا می‌کند، درست است که این دو طبیعت و عنوان الان در عالم خارج یک مصداق دارند، که هم مصداق برای این طبیعت است و هم مصداق برای آن طبیعت، این فعل درست است که، از این جهت که مصداق برای طبیعت غصب است، عنوان مبغوضیت للمولا را دارد، ولی از این جهت که مصداق برای صلاه است، این مبغوضیت را ندارد و عنوان مقربیت دارد.

به عبارت اخری این فعل که در عالم خارج واقع می‌شود و فرض کردیم یک وجود واحد بیشتر نیست، اگر این یک وجود، لونها مبغوض للمولا فقط باشد، نمی‌شود مقرب باشد، این حرف درست است، در حالیکه می‌گوییم این دو لون، عنوان، جهت و حیثیت دارد. از حیثی عنوان مقربیت دارد، و نماز از این حیث صحیح می‌شود، از حیث دیگر عنوان مبعدیت و مبغوضیت للمولا را دارد. لذا روی هر دو مبنا، این فرمایش ایشان، فرمایش درستی نیست.

اشکال به مطلب دوم مرحوم بروجردی(ره)

اما قسمت دوم فرمایش ایشان که اصلاً بگوییم مقربیت و حصول امتثال، دائر مدار علم و جهل است. قبلاً در ایراد به مرحوم آخوند(ره) بیان کردیم که، علم و جهل در احکام واقعیه دخالتی ندارد. یعنی اگر این فرمایش مرحوم آخوند(ره) را در نسیان هم کسی بخواهد بپذیرد، در فرض جهل، جهل در احکام واقعیه دخالت ندارد.

یعنی در جایی هم که کسی جاهل است، حرمت الغصب هست، مفسده واقعیه هست، منتهی بیاییم مسئله مبغوضیت و عدم مبغوضیت را مطرح کنیم، که ما هم این را قبول کردیم و گفتیم که فرق بین علم و جهل این است که، در فرض وجود علم، این عمل مبغوض للمولا، علاوه بر اینکه این عمل اطاعت و امتثال است، مبغوض للمولا هم هست. اما در فرض جهل، عنوان مبغوضیت للمولا را ندارد.

این مبنا را اگر بگوییم که، ما هم در توضیح فرمایش خود مرحوم آقای بروجردی(ره) گفتیم، این مبنا درست است، لکن این کسی که جاهل است، در فرض اینکه قائل به جواز اجتماع شویم، بین جهل و علم فرقی نمی‌کند. یعنی در فرض اینکه بگوییم: اجتماع امر و نهی جایز است، این شخص چه به حرمت غصب جاهل باشد و چه عالم باشد، یعنی ولو مبغوضیت هم در اینجا باشد، که توضیح دادیم، که این وجود واحد، مصداق دو عنوان واقع می‌شود، لذا نماز صحیح است.

اما اگر امتناعی شدیم، روی فرض امتناع، این وجود واحد، دو عنوان نمی‌تواند داشته باشد، لذا یا جانب امر را باید غلبه دهیم، یا جانب نهی را. اگر جانب نهی را غلبه دادیم، چه عالم و چه جاهل باشد، این نماز باطل است. برای اینکه نه امر به صلاه الان داریم، ملاک حرمت الغصب هم، بر ملاک صلاه مقدم شده است.

لذا این که بخواهیم صحت و فساد صلاه را دائر مدار علم و جهل قرار دهیم، بدون اینکه مسئله جواز و امتناع را در نظر گیریم، حرف درستی نیست.

اگر جوازی شدیم، بین علم و جهل فرقی نمی‌کند، نماز صحیح است، و اگر امتناعی شدیم، اینجا ممکن است بگوییم: روی فرض

امتناع هم: بین علم و جهل فرقی نمی‌کند، بالاخره اگر امتناعی شدید و جانب نهي را مقدم کردیم، نماز نه امر دارد و نه ملاک، لذا باطل است، چه به این حرمت الغصب عالم باشد و چه جاهل.

اگر از این تنزل کنیم، نهایتاً این است که، در فرض امتناع، بین علم و جهل فرق می‌گذاریم، اما بالاخره در فرض جواز اجتماع، بین علم و جهل فرقی نگذاشتیم.

اشکال به مطلب سوم مرحوم بروجردی(ره)

مطلب سوم مرحوم آقای بروجردی(ره) که فرموده‌اند که قائلین به جواز، قائلین به فساد هم هستند، این بر خلاف فتاوایی است که وجود دارد، برخی از بزرگان مثلاً مثل مرحوم شهید ثانی(ره) در کتاب روض الجنان، قائل به جواز اجتماع امر و نهي شده و فرموده‌اند: صلاه در دار غصبی صحیح است، اما صلاه با سائر غصبی باطل است. مرحوم شهید(ره) در آنجا تصریح فرموده‌اند که: صلاه در دار غصبی از این نظر که دو عنوان و دو حیث وجود دارد صحیح است. اما صلاه با سائر غصبی را باطل دانسته‌اند.

پس اینکه گفته‌اید: قائلین به جواز، قائلین به فساد هم هستند، این درست نیست، مگر اینکه می‌خواهند بگویند: بعضی از آنهایی که قائل به جواز اجتماع امر و نهي هستند، در این مسئله قائل به فسادند. نه اینکه بگویند: همه قائلین به جواز تمامشان، قائل به فساد هستند. بلکه می‌خواهند نفي ملازمه کنند که، کسانی که قائل به جواز اجتماع امر و نهي هستند، بعضی هایشان قائل به فسادند و در نتیجه بین قول به جواز و قول به صحت، ملازمه ای وجود ندارد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين